**١١٤ - نهی از عبادات و ریاضات مُبتدعه و دعاوی باطله [[1]](#footnote-1)**

در کلمات فردوسیه است قوله الاعلی : کلمة اللّه در ورق دهم از فردوس اعلی ، یا اهل ارض انزوا و ریاضات شاقّه بعزّ قبول فائز نه صاحبان بصر و خرد ناظرند به اسبابی که سبب روح و ریحان است امثال این امور از صلب ظنون و بطن اوهام ظاهر و متولّد ، لایق اصحاب دانش نبوده و نیست بعضی از عباد از قبل و بعد در مغاره‌های جبال ساکن و بعضی در لیالی بقبور متوجّه بگو بشنوید نصح مظلوم را از ما عندکم بگذرید و به آنچه ناصح امین میفرماید تمسّک جوئید لا تحرموا انفسکم عما خُلق لکم .

 و در کتاب اقدس است قوله الاعلی : مِن النّاس مَن یقعدُ صفّ النّعال طلباً لصدرِ الجلال قل مَنْ انتَ یا ایّها الغافلُ الغرّار و مِنهم مَن یدّعی الباطنَ و باطنَ الباطنِ قل یا ایّها الکذّاب تَاللّهِ ما عندک انّه مِن القشورِ ترکناها لکم کما تترکُ العِظامُ للکلابِ تاللّهِ الحق لو یغسلُ احدٌ ارجلَ العالم و یعبدُ اللّهَ علی الادغالِ و الشّواجنِ و الجبالِ و القنانِ و الشّناخیبِ و عندَ کلِّ حجرٍ و شجرٍ و مدرٍ و لا یتضوّعُ منه عرفُ رضائی لن یقبلَ ابداً هذا ما حکمَ به مولی الانام کَمْ مِن عبدٍ اعتزلَ فی جزائرِ الهندِ و منعَ عن نفسِه ما احلَّهُ اللّه له و حملَ الریّاضات و المشقّات و لم یذکرْ عند اللّه منزلِ الآیات . . . قل روح الاعمال هو رضائی و عُلّق کلّ شیئیٍ بقبولی .

 در اثری و لوحی است قوله : ای علی مشاهده در امور رسول اللّه نما که اول امر در کمال ترقّی و استعلاء بوده بعد توقّف نمود و یکی از اسباب مانعه آنکه نفوس برخاستند و بدعوی این که اهل باطنیم ناس بیچاره را از شریعۀ الهیّه و مکامن عزّ ربانیه ممنوع نموده‌اند قل تاللّهِ کلُّ ظاهرٍ اعلی مِن باطنِکم و کُلّ قشرٍ انور من لُبِّکم قد ترکَ المخلصونَ بواطَنکم کما تُتْرَکُ العظامُ للکلابِ این ایام احکام الهیّه از مشرق ربانیّه مشرق و انشاء اللّه از بعد ارسال میشود این دو آیۀ مبارکه در آن الواح امنع اقدس نازل من النّاس من یقعد صفّ النعال طلباً لصدر الجلال قل من انت یا ایّها الغافل الغرّار و منهم من یدّعی الباطن قل یا ایّها الکذّاب تاللّه ما عندک من القشور ترکناها لکم کما تترک العظام للکلاب ملاحظه نمائید هر نفس از نفوس موهومه که یافت شد خلیجی از بحر اعظم خارج نمود و به توهّمات نفسانیّه و شؤونات هوائیّه بتمام مکر و خدعه قیام کرد و فرقۀ اسلام را متفرّق ساخت قل یا ایّها الموهوم انّ الباطن و باطن الباطن و باطن الّذی جعله اللّه مقدّساً عن الباطن و الظاهر الی مالا نهایة لها یطوف حول هذا الظاهر الّذی ینطق الحق فی قطب العالم قد ظهر اسم الاعظم و مالک الامم و سلطان القدم لیس لاحدٍ مفرّ و لا مستقرّ الّا من تمسّک بهذه العروة النّوراء الّتی بها اشرقت الارض و السّماء و لاح العرش و الثری و اضاء ملکوت الانشاء و انار الافق الاعلی اتّقوا یا قوم و لا تتّبعوا اهواء الّذین اتّبعوا الهوی و لا اوهام الّذین قاموا علی المکر فی ملکوت الانشاء توجّهوا بوجوه بیضاء و غرر غرّاء الی مطلع آیات ربّکم مالک الاخرة و الاولی کذلک قضی الامر فی لوح الّذی جعله الله امّ الالواح و مصباح الفلاح بین السّموات و الارضین ای علی تفریق امّت سبب و علّت ضعف کلّ شد ولکن النّاس اکثر هم لا یفقهون بعضی از ناس که ادّعای شوق و جذب و شعف و انجذاب و امثال آن نموده و مینمایند کاش بدار السّلام میرفتند در تکیۀ قادریّه ملاحظه مینمودند و متنبّه میشدند . ای علی جمعی در آن محل موجود و مجتمع و نفسی الحق که مشاهده شد نفسی از آن نفوس زیاده از ربع ساعات مقعد خود را به حجر و مدر و جدار میزند که بیم هلاک بود و بعد منصعقاً بر ارض میافتاد و مقدار دو ساعت ابداً شعور نداشت و این امور را از کرامات میشمردند انّ اللّه بریئی منهم و نحن برآء انّ ربّک لهو العلیم الخبیر و همچنین جمعی هستند به رفاعیّ معروف‌اند و آن نفوس به قول خود در آتش میروند و در احیان جذبه سیف بر یکدیگر میزنند بشأنی که ناظر چنین گمان مینماید که اعضای خود را قطع نمودند کلُّ ذلک حیلٌ مکرٌ و خدعٌ مِن عند انفسِهم الا انّهم مِن الاخسرین جمیع این امور برأی العین مشاهده شد اکثری از ناس دیده‌اند بسیار محبوب است که یکی از آن نفوس موهومه بان ارض توجّه نماید و تکایای مذکوره و ما یحدثُ فیها را مشاهده کند که شاید بخطرات نفسانیّه و توهّمات انفس خادعه از شطر احدیّه و مالک بریّه ممنوع نشود جمعی در جزایر بوده و هستند که خود را از اکل و شرب منع نموده‌اند و با وحوش انس گرفته‌اند و لیالی و ایام به ریاضات شاقّه مشغول‌اند و به اذکار ناطق معذلک احدی از آن نفوس عند اللّه مذکور نه مع آنکه خود را از اقطاب و ادباء و اوتاد و افراد ارض میشمرند و الیوم رداء افعال و اکلیل اعمال ذکر اعظم در ظاهر و باطن بوده انّه لکلمة الّتی بها فصّل بین کلّ حزبٍ و نسف کلّ جبلٍ و سقط کلّ نجم و کسف کلّ شمسٍ و خسف کلّ قمرٍ و انفطر کلّ سماءٍ و انشقّ کلّ ارضٍ و غیض کلّ بحرٍ و ارتعد کلّ فتنةٍ و انقعر کلّ جذعٍ و اضطرب کلّ هضبٍ و ارتعش کلّ بطحٍ الّا من شاء ربّک المقتدر القدیر من اقرّ بما اقرّه اللّه و اعترف بما اعترفه اللّه انهّ من اهل البهاء فی ملکوت الانشاء کذلک نزل من افق الوحی امر ربّک المبرم العزیز الحکیم .

1. و فی حدیث : وصف المؤمن من یکره الرفعة و یشناء السُّمعة . و ایضا فی الحدیث : ابَی اللّه اَنْ یُعبد الّا سرّاً . ( مجمع البحرین ) نقل الامام الرازی فی التّفسیر الکبیر اتفاق المتکلّمین علی انّ من عبد اللّه و دعا لأجل الخوف عن العقاب او الطّمع فی الثّواب لم یصحّ عبادته و دعائه ذکر ذلک عند قوله تعالی ادعوا ربّکم تضرّعاً و خفیةً و جزم فی اوائل تفسیر الفاتحة بانّه لو قصد اصلّی الثواب او لهرب من عقابه فسدت صلاته . فی الحدیث ابی اللّه ان یعبد الّا سرّاً ( کشکول شیخ بهائی ) در قرآن مجید است قوله تعالی : قل من حرّم زینة اللّه الّتی اخرج لعباده و الطیّبات من الرّزق قل هن للّذین آمنوا فی الحیوة الدّنیا خالصة یوم القیامة . و قوله ابتغ فیما آتاک اللّه الدّار الاخرة و لا تنس نصیبک من الدّنیا و فی الحدیث : لا رهبانیّة فی الاسلام . و در روایت است که ابن عمر روزۀ دو روزه میگرفت و تمام شب را به روزه و مناجات میگذرانید و پیغمبر او را نهی نمود . [↑](#footnote-ref-1)